

FTX

رسوایی مالی جدید

همایون مشیرزاده

بگیرند. شرکت FTX هم تحت فصل یازده قانون ورشکستگی (Chapter Eleven) است.

فعالیت‌های پولی و مالی سام بانکمن از حدود ده سال قبل با کارآموزی در یک شرکت سرمایه‌گذاری و صرافی و خرید و فروش ارز و اوراق بهادار آغاز شد و چندی بعد شرکتی به نام Alameda Research را با مشارکت همکار سابقش تأسیس کرد و وارد بازار رمزارزها شد. متعاقباً شرکت FTX را ایجاد کرد. چند ماه پیش گزارش شد که وی به ایلان ماسک (Elon Musk) برای خرید شرکت توییتر و تأمین مالی فرآیند خرید آن، یاری داده است. در این میان مبالغ کلانی هم به صندوق‌های خیریه و نوع‌دوستانه کمک کرد که بعداً خودش اعتراف کرد در این کارها زیاد هم صداقت نداشته و بیش‌تر با هدف خودنمایی و فریب دیگران این کارها را کرده است!

شرکت صرافی و رمزارزهای بایننس

جرم کلاه‌برداری اوراق بهادار و تقلب اینترنتی (Wire Fraud) و توطئه، روز دوازدهم دسامبر ۲۰۲۲ در باهاماس دستگیر شد و در ۲۱ دسامبر به مقامات قضایی ایالات متحده تحویل داده شد و فعلاً با قید وثیقه آزاد است. در صورت اثبات اتهامات، وی تا صد سال زندان تحمل می‌کند.

نژاد از دو کس دارد این نیک پی: پدرش استاد روان‌شناسی و حقوقدان صاحب‌نامی در دانشگاه استنفورد با تخصص‌های ویژه است که در جذب سرمایه و جلب سرمایه‌گذاران برای شرکت FTX مباشرت داشته و مادرش هم وکیل و حقوقدان صاحب کرسی استادی در همان دانشگاه است. در این میان حامیان سیاستمدار وی در احزاب مختلف که در جریان انتخابات ریاست جمهوری و کنگره‌ی آمریکا و غیره، از وی مبالغ هنگفت برای تبلیغات گرفته‌اند، مرتباً از او اعلام برائت کرده و سعی می‌کنند حتی‌المقدور از او فاصله

پس از رسوایی‌های مالی ابتدای قرن بیست‌ویکم، به نظر می‌رسد موج جدیدی



از سقوط شرکت‌ها و کلاهبرداری‌های مالی در نیمکره‌ی غربی به‌راه افتاده است. این بار در شرکت‌های نوخاسته Start-Up و شرکت‌های فناوری! آخرین آن‌ها سقوط نابهنگام FTX یا شرکت صرافی رمزارزهاست. هنوز ماجرای Theranos به سرانجام نرسیده و احکام قضائی صادره در مورد بنیان‌گذاران آن (الیزابت هلمز و رامش بالوانی) اجرا نشده، نام مدیر شرکت دیگری بر سر زبان افتاده است: سام بانکمن - فرید (Sam Bankman-Fried) که تا چند ماه پیش ارزش خالص دارایی‌هایش حدود ۲۶ میلیارد دلار برآورد می‌شد، مدیر سابق شرکت صرافی FTXT متولد ۱۹۶۲، دانش‌آموخته‌ی MIT (انستیتو تکنولوژی ماساچوست) به



سقوط FTX، اشاره‌ای به حسابرسی غیر اصولی شرکت‌های رمزارز و بی توجهی مسئولین به اهمیت حسابرسی این شرکت داشته است:

Crypto Exchanges' A La Carte Approach to Audit A "Recipe for Disaster"

«رهیافت سفارشی حسابرسی صرافی‌های رمزارزها: دستور تهیه و طریخ فاجعه»

ظاهراً حدود ۵۰ شرکت عمده‌ی صرافی رمزارزها قبل از سقوط FTX در آمریکا فعال بوده‌اند. تنها نیمی از آنها راضی به افشای مسائل حسابداری و حسابرسی خود نزد مجله‌ی فوربس شده‌اند. ۱۶ صرافی گفته‌اند حسابرسی شده‌اند. نیمی از آنها را مؤسسات بزرگ چهارگانه حسابرسی کرده و یکی هم گفته که مؤسسه‌ی فرانسوی Mazars قرار است موجودی‌های رمزارز آنها را که اصطلاحاً "Reserve" خوانده می‌شود، حسابرسی کند.

آتی و ارتباط شرکت با سایر شرکت‌ها و دارایی‌های شخصی بانکمن-فرید را دارد. شایعات دیگری هم مطرح بوده که چهار میلیارد دلار از منابع سرمایه‌گذاران بدون اطلاع و مجوز به شرکت‌های دیگر متعلق به بانکمن-فرید منتقل شده است. تحت فشار مطبوعات و افکار عمومی، نامبرده از مدیریت شرکت FTX استعفا و مدیران جدید اعلام ورشکستگی و تشکیل پرونده برای غرمای اموال شرکت نمودند. جالب آن که همان کسی که به کمک اعتباردهندگان به انرون (Enron) و غرمای اموال آن مأمور شده بود، مسئول رساندن مردم به پول‌شان (البته بخشی از آن) در FTX شد!

خاویر پاز (Javier Paz) فعال وال استریت و تحلیلگر رمزارزها در مقاله‌ی ای که در مجله فوربس (Forbes) تحت عنوان زیر، چند هفته قبل از نگارش این متن منتشر کرده، به بهانه‌ی

(Binance) که بزرگ‌ترین واسطه‌ی خرید و فروش رمزارزها در جهان به شمار می‌رود، در نوامبر ۲۰۲۲ اعلام کرد که قصد دارد موجودی FTX خود را به فروش رساند. (FTT رمزارز FTX و توکن آن بود). سال قبل بایننس حدود ۵۲۹ میلیون دلار از این محل به‌دست آورده بود.

اعلام قصد فروش رمزارزها باعث شد قیمت FTT به شدت کاهش یابد. در این میان اعلام شد، بایننس قصد انجام شرکت‌آزمایی (Due Diligence) در FTX (که بحران نقدینگی داشت) را دارد. در پی آن شایعات متعددی در مورد به‌کارگیری نادرست (mis-handling) وجوه مشتریان در FTX بر سر زبان‌ها افتاد و در پی آن قیمت سهام آن کاهش یافت. بانکمن-فرید دیگر میلیاردر نبود و فقط چند روز بعد اعلام شد که کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC) قصد رسیدگی به کار شرکت به‌ویژه در مورد معاملات

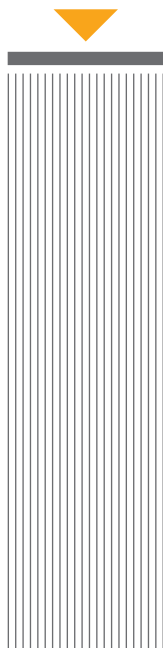
اصولاً بسته به محل ثبت، بسیاری از این صرافی‌ها الزام به حسابرسی ندارند. در حالی که شرکت‌هایی با قد و قواره و گردش مالی آن‌ها باید هم حسابرسی شوند و هم زیر نظر مقامات نظارتی و دولتی بورس و غیره فعالیت کنند. برای شرکت‌هایی که به لحاظ «حیثیتی» ریسک بالایی دارند، استفاده از حسابرسان صاحب‌نام و مؤسسات بزرگ (Big Four) می‌تواند اسباب کسب آبرو باشد. اکثر مؤسسات بزرگ محرمانه از پذیرش حسابرسی شرکت‌های پرریسک اجتناب می‌کنند، درحالی که حاضرند به آن‌ها مشاوره‌ی مالی و مالیاتی و غیره بدهند! اما مؤسسات کوچک‌تر حسابرسی در مواردی حاضرند ریسک‌های حسابرسی این شرکت‌ها را بپذیرند. صرافی FDT از مؤسسه‌ی حسابرسی Prager Petis International (که چهل‌وهفتمین رتبه را طبق گزارش Accounting Today داشته است) به‌عنوان حسابرس شرکت اصلی و از مؤسسه‌ی حسابرسی Armanino که رتبه‌ی بیست‌ویک را در همان فهرست احراز کرده به‌عنوان حسابرس شرکت فرعی در آمریکا استفاده کرده است (شرکت اصلی ابتدا در ماکائو ثبت و سپس به هنگ‌کنگ منتقل شد). صرف این‌که حسابرسان شرکت مذکور مؤسسات صاحب‌نامی نبودند، به خودی خود مشکل خاصی نداشته چرا که این شرکت‌ها در مورد گزارشگری مالی اصولاً جدی نبودند! زمانی که قصد جذب سرمایه‌ی جدید برای جلوگیری از ورشکستگی و شرکت‌آزمایی مطرح شد، تازه مشکل حساب‌های FTX و مسائل مرتبط با آن مورد توجه قرار گرفت. از آنجایی که حسابرسی تمامی شرکت‌های گروه با یک مؤسسه‌ی واحد نبود، شناسایی بسیاری از معاملات با اشخاص وابسته و ارزیابی آن‌ها برای حسابرس‌ها میسر نشد.

انتخاب گروه مازارس توسط صرافی بایننس برای تأیید و اثبات موجودی‌های رمزارز (Reserves) - اگر درست باشد - اقدامی اولیه و در خور تحسین برای شرکتی است که اصولاً علاقه‌ای به اعلان اطلاعات داخلی خود نداشته و وضعیت مالی و عملکرد آن همواره سری و محرمانه تلقی می‌شده است. شعبه‌ی گروه مازارس در آمریکا بیست‌وششمین مؤسسه‌ی حسابرسی به لحاظ رتبه‌ی حق‌الزحمه است که این موضوع به‌تنهایی گویای توانایی‌های حسابرسی و کیفیت آن نیست. به‌ویژه آن‌که اخیراً رسیدگی به کار مازارس در آمریکا بیانگر نقاط ضعف زیادی در کیفیت کار مؤسسه‌ی مزبور بوده و PCAOB هم نمره‌ی قبولی به مؤسسه‌ی مزبور نداده است! شرکت‌های صرافی که در تحقیق Forbes به شرح یاد شده قرار داشته‌اند، بیش‌تر حسابرسی ویژه شده بودند. این حسابرسی ویژه که به طور اختصار SOC نامیده می‌شود (Organization Control Service)، از ارزش بالایی برای میلیون‌ها سرمایه‌گذار در رمزارزها برخوردار نیست. نتایج این حسابرسی‌های ویژه، بیش‌تر بر ارزیابی توانایی آن‌ها به محافظت از رمزارزها، حفظ داده‌ها و امنیت آن‌ها (Cyber Security) تمرکز دارد. در جمع بندی می‌توان گفت که اگر صرافی رمزارز خاصی بتواند سرمایه‌گذاران نهادی را جلب کند، می‌تواند درجه‌ی نقدشوندگی و توانایی مالی خود را بالا ببرد. این درحالی است که FTX حتی مورد حسابرسی کم‌کیفیت هم قرار نگرفته بود. سقوط FTX و واگیر آن به سایر صرافی‌ها موضوع جدیدی برای این‌گونه شرکت‌ها و اثبات وجود منابع موجودی رمزارز آن‌ها (Proof of Reserves) را به‌وجود آورده است. صرافی‌ها عموماً هم دارای رمزارز دارند و هم

بدهی‌هایی که بازپرداخت آن‌ها به رمزارز است! تعداد انگشت‌شماری از صرافی‌های شناخته شده مورد حسابرسی کامل PoR به شرح فوق واقع می‌شوند. مع‌هذا تنها یکی دو تا از آن‌ها از تخصص‌های اشخاص ثالث برای حسابرسی و اثبات چنین دارایی‌ها و بدهی‌هایی بهره‌مند شده‌اند. برخی فقط دنبال اثبات و احراز موجودی‌های رمزارز (Reserves) هستند و بعضی اصولاً حسابرس مستقل خارجی ندارند. تحقیق مجله فوربس نشان داده که برخی از این صرافی‌ها با «جابه‌جا کردن یا انتقال دادن دارایی‌های رمزارز» خود توانستند وجود چنین دارایی‌هایی را به حسابرسان مستقل اثبات کنند. در حال حاضر صرافی‌های بزرگ‌تر به دنبال ایجاد روش‌هایی برای اثبات وجود موجودی‌های رمزارز با کمک حسابرسان خود هستند.

انتظارات از حسابرسان شرکت‌ها در دو دهه‌ی گذشته خیلی بالا رفته است. در حالی که در ماجراهایی شبیه ENRON یا رسوایی MEADOFF میلیاردها دلار از مبالغ مالی مردم با تقلب و حساب‌سازی‌های گسترده به یغما رفت و این بار جدیدترین آن‌ها FTX است.

برای بسیاری از شرکت‌ها قبلاً حسابرسی امری لوکس یا زینت‌المجالس بود به‌ویژه در شرکت‌های سرمایه‌گذاری پرخطر (Venture Capital) که اصولاً موضوعیت نداشت. ولی با سقوط FTX به نظر می‌رسد برای این قبیل شرکت‌ها و Start Up های «داغ» حسابرسی و اعلام خطر توسط حسابرسان (اصطلاحاً بالا بردن پرچم قرمز) به‌زودی از واجبات باشد. بالا بردن پرچم قرمز می‌تواند صرفاً جابه‌جایی بی‌هنگام حسابرسان، استفاده از حسابرس جدید با کیفیت و خوش‌نامی کم‌تر، ختم همکاری با حسابرسانی که



«سخت‌گیر» تلقی می‌شوند و امثالهم باشند. در مواردی حتی عدم پذیرش یک کار حسابرسی توسط یک مؤسسه می‌تواند زنگ خطر باشد!

در صناعی که بخشی از رویدادهای مالی در فضای مجازی صورت می‌گیرد، بخش عمده‌ای از دارایی‌ها، نامشهود است و دارایی‌های دیجیتال هم به آن اضافه شده، و مدیران اعتقاد به استفاده از خدمات حسابرسان ندارند،

مناسب، روزبه‌روز بیش‌تر کاهش می‌یابد.

به هر تقدیر توانایی‌های حرفه‌ای، دانش و خرد حسابرسان هم نامحدود نیست و علی‌رغم تمام دقتی که به کار گرفته می‌شود، باز ممکن است حسابرسان نتوانند تمامی سوءجریانات یا مسائل احتمالی را شناسایی و کشف کنند. در نتیجه باید چشم‌انتظار رویدادهای مشابه در محیط‌های مالی

صورت‌های مالی را حسب وظایف نظارتی خود، از شرکت‌ها مورد پیگیری و سؤال قرار دهند.

به‌علاوه لازم است با توجه به سرعت شدید ایجاد انواع و اقسام شرکت‌های فناوری و نرم‌افزاری و استارت‌آپ‌های مختلف در حوزه‌های دیجیتال، حسابرسان هم خود را برای رسیدگی به چنین واحدهایی تجهیز کنند، استفاده از خدمات کارشناسان



سام بانکمن فرید پایه‌گذار شرکت اف تی ایکس

وظیفه‌ی حسابرسان مرتباً سخت‌تر و باز هم سخت‌تر می‌شود. این در حالی است که به نظر می‌رسد نسل جدید حسابرسان فاقد مسئولیت‌پذیری و اعتقادات حرفه‌ای، اخلاقی و کاری نسل پیشین‌اند. شرکت‌ها حق‌الزحمه‌ی حسابرسان را خرجی زائد می‌انگارند و حاضر نیستند حق‌الزحمه‌ی مناسب برای کار کیفی بپردازند و در نتیجه توان مالی مؤسسات برای استخدام و به‌کارگیری حسابرسانی با کیفیت

و سرمایه‌گذاری و غیره بود، مگر آن‌که ارزش کار حسابرسان برای همگان روشن و به رسمیت شناخته شده، قوانین و مقررات، حسابرسانی را برای چنین شرکت‌ها یا واحدهای تجاری نوپا اجباری کنند، مقامات ناظر در بازارهای سرمایه و پول، این اطلاعات و گزارش‌ها را پایش و رصد کنند و موارد غیرعادی، بندهای شرط گزارش‌های حسابرسانی، سایر نکات درج شده در گزارش‌های حسابرسان و افشاییات

کامپیوتر و غیره را در دستور کار خود قرار دهند و نتایج را مستندسازی کنند. در کنار این موارد لازم است مبادی ذی‌ربط، استانداردهای لازم و توصیه‌ها و رهنمودهای جدید برای حسابداری و حسابرسانی این‌گونه واحدها تدوین کنند. ساده تلقی کردن این‌گونه تهدیدها، عدم رسیدگی عمقی و مناسب به آن‌ها، در نهایت منجر به بروز مشکلات و کاستی‌ها و کژی‌هایی از نوع موارد مطرح شده خواهد شد.